

زیارت قبر از دیدگاه قرآن

تألیف:

دکتر / طه حامد الدلیمی

ترجمه و نگارش:

محمد عبداللطیف انصاری

عنوان کتاب:	زیارت قبر از دیدگاه قرآن
عنوان اصلی:	المنهج القرآني الفاصل بين أصول الحق وأصول الباطل
تألیف:	دکتر طه حامد الدلیمی
مترجم:	محمد عبداللطیف انصاری
موضوع:	عقاید کلام - مجموعه عقاید اسلامی - بررسی عقاید مذهبی شیعه ...
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	اسفند (حوت) ۱۳۹۴ شمسی جمادی الاول ۱۴۳۷ هجری
منبع:	



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- فهرست مطالب.....أ
- مقدمه مترجم ١
- مقدمه مؤلف ٥
- مقام و منزلت زیارت قبور در نزد شیعه ٧
- مقام و منزلت کربلاء و نجف و قبور ائمه ٩
- ادعای بزرگ ولیکن بدون دلیل! ١٣
- حج و مکه مکرمه و مساجد در قرآن کریم ١٥
- حج در قرآن کریم: ١٥
- مکه مکرمه «بلد الامین» در قرآن کریم: ٢١
- بیت الله و مسجد الحرام در قرآن کریم: ٢٢
- نماز و مسجد در قرآن کریم: ٢٥
- نه قبری و نه زیارتگاهی در قرآن! ٢٩
- پیروی از متشابه ٣١
- احکام زیارت در کجای قرآن است؟ ٣٥

-
-
- ۳۷ وسیله و بهانه حب اهل بیت علیهم السلام
- ۴۱ نفس پرستی (خود پرستی)
- ۴۵ بدعتی جدید
- ۴۹ زیارت شرعی و زیارت غیر شرعی
- ۵۷ منابع

مقدمه مترجم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ
وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ. أمَّا بعد:

اللهم ﷻ قرآن کریم را کتاب هدایت و قانون زندگی و جدا کننده حق از باطل فرستاد:

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ [الإسراء: ۹].

«این قرآن به راهی هدایت می کند که مستقیم ترین راه ها است».
و همچنین آن را هدایتی برای پرهیزکاران فرستاد:

﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۲].

«برای پرهیزگاران رهنماست».

و رسول الله ﷺ را اسوه و الگوی بشریت قرار داد:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [الأحزاب: ۲۱].

«به راستی برای شما، در رسول الله الگو و سرمشقی نیکوست».

ایشان ﷺ علاوه بر رساندن کتاب الله و تبلیغ دین مبین اسلام با گفتار و کردار نیک و پسندیده که همان سنت گرانبهایشان می باشد به بشریت عموماً و مسلمانان خصوصاً عقیده خالص و انسان بودن را و انسان زیستن و اخلاق و تربیت سالم را آموختند و ذات ذوالجلال باری تعالی ﷻ نیز ایشان را ستود که:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [القلم: ۴].

«تو بر خوردار از خلقی بزرگ (و پسندیده) هستی».

و بر گفتار گهربارشان مهر تأیید نهاد که:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ ﴿۳﴾﴾ [النجم: ۳].

«و از روی هوی و هوس سخن نمی گوید».

و ما را به اطاعت از ایشان وآلِهِمُ امر نمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنكُمْ ۚ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۗ﴾ [النساء: ۵۹].

«ای مؤمنان، از الله اطاعت کنید و از رسول [او] و صاحبان امرتان [پیشوایان هم] اطاعت کنید و هر گاه در چیزی اختلاف کردید، اگر به الله و روز قیامت ایمان دارید، آن را به (حکم) الله و رسول بازگردانید. این بهتر و نیک انجام تر است».

و در پرتو این ارشادات الهی و روش قرآنی در فرق بین حق و باطل و رجوع به کتاب الله در مسایل اختلافی، جناب دکتر طه حامد الدلیمی که یکی از نویسندگان چیره دست و از جمله علمای بزرگ جهان اسلام می باشند مسأله زیارت قبر را مورد بحث و بررسی قرار داده اند که جایی برای مناقشه و بحث و جدال برای حق جویان نمی گذارد مگر کسانی که الله عزَّ و جَلَّ بر دل هایشان مهر نهاده است و آن ها سخن حق را نمی پذیرند^۱.

﴿صُمُّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ۗ﴾ [البقرة: ۱۸].

«کرنند، گنگند، کورند. پس آنان به راه نمی آیند».

و آن ها طرف سخن ما هم نیستند بلکه مخاطبان ما کسانی اند که:

۱- این رساله بخشی از کتاب «المنهج القرآنی الفاصل بین أصول الحق وأصول الباطل» نوشته جناب دکتر طه حامد الدلیمی می باشد که به شکل مستقل به عنوان «زیارة المراقد عند الشيعة» در سایت وزین البرهان www.alburhan.com نشر شده است.

﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ وَأُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ
وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ [الزمر: ۱۸].

«کسانی که سخن [ها] را می‌شنوند، آن گاه از بهترینش پیروی می‌کنند. اینان کسانی‌اند که الله هدایتشان کرده و ایشانند خردمندان».

جناب دکتر طه الدلیمی در این مختصر به بررسی زیارت قبور از دیدگاه قرآن کریم پرداخته و با دلایل قرآنی بطلان عقاید کسانی را که زیارت قبور را بالاتر از ارکان اسلام دانسته‌اند و صدها خرافه و بدعت دیگر را به آن چسپانده‌اند ثابت می‌سازد و اگر برادران و خواهران مسلمان خواستند بیشتر در این باره مطالعه کنند می‌توانند به این کتاب‌ها که در سایت www.aqeedeh.com نشر شده مراجعه نمایند:

خرافات وفور در زیارات قبور

تألیف: آیت الله العظمی علامه سید ابوالفضل ابن الرضا برقی قمی

زیارت قبور بین حقیقت و خرافات

تألیف: استاد حیدر علی قلمداران قمی

زیارت از دیدگاه ائمه

تألیف: دکتر عبدالهادی حسینی

و لازم به تذکر است که کلمات و جملاتی که در داخل پرانتز () آمده اضافات مترجم می‌باشد که برای توضیح بیشتر مطلب بوده است.

امید است الله عز و جل این کوشش ما را چراغ راهی برای کسانی بگرداند که می‌خواهند از ظلمت و اوهام قبر پرستی و زیارت پرستی به جادهٔ پرنور حق پرستی گام بردارند.

محمد عبداللطیف انصاری

abusaeedansari@gmail.com

مقدمه مؤلف

زیارت قبور بخش کوچکی از شریعت بزرگ و وسیع اسلام می‌باشد که عملی مباح به شمار رفته و انجام دادن و یا ترک آن با هم برابر است. و اگر همراه با نیت صالح و بدور از اعمال شرک آمیز انجام گیرد عملی مستحب و نیکو می‌باشد.

زیارت قبور در روزهای نخستین قانونگذاری اسلامی ممنوع اعلام شد، تا آنکه رسول الله ﷺ وسلم با این سخن مبارک خود به آن اجازه دادند:

«كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَرُورُوهَا». [صحيح مسلم ۲۳۰۵]

«شما را از زیارت قبرها منع کرده بودم، اکنون آن‌ها را زیارت نمائید».

و جالب است بدانید که در قرآن کریم ذکری از زیارت قبور نیامده است. و اگر مسلمانی از دنیا برود و قبری را زیارت نکرده باشد و یا به زیارتگاهی قدم ننهد باشد مورد بازخواست باری تعالی قرار نمی‌گیرد و در هنگام سوال و جواب از او نمی‌پرسند که چرا به زیارت قبری نرفته است.

لکن در نزد شیعه زیارت قبر جایگاه مخصوصی دارد طوریکه می‌گویند:

«اگر انسانی همه اعمال انبیاء علیهم السلام را انجام دهد و لکن قبر مخصوصی را زیارت نکرده باشد خداوند از او هیچ عمل نیک و پسندیده ای را نمی‌پذیرد و بر او خشم گرفته و مورد لعنت قرار می‌دهد و برایش عذاب جهنم و سرانجام بدی را مهیا می‌سازد».

این رساله کوتاه بر اساس همین وهم و گمان نوشته شده است، که در آن از روش قرآن مجید در اثبات امور مهم پیروی نموده‌ام و همچنان کوشیده‌ام تا این وهم و گمان باطل را با دلیل و برهان نقض نموده و باطل بودن آن را هویدا سازم. و این همان راز کوتاهی و اختصار این رساله

می‌باشد، بلکه اگر بخواهید می‌توانم بیشتر از این هم اختصار دهم زیرا همین حالا نیز به این عقیده‌ام که این رساله با وجود اختصار باز هم خیلی طولانی است. زیرا کسی را که الله عز و جل به راه حق و قرآن هدایت نموده باشد، برای شناخت حق و باطل محتاج سخن فراوان و دلایل بی شمار نمی‌باشد زیرا عاقلان را اشارتی کافیست. و چه زیبا گفته‌اند که: «العلم نقطة کثرها الجاهلون» «علم مانند نقطه ای است که جاهلان آن را افزایش داده‌اند».

و با این مطلب از بارگاه الله تبارک و تعالی می‌خواهم که نویسنده و خواننده و (مترجم) و کسانی که در نشر این رساله کوشش نموده‌اند را از اجر و ثواب بی نصیب نگرداند. آمین

دکتر / طه حامد الدلیمی

مقام و منزلت زیارت قبور در نزد شیعه

زیارت قبر در نزد شیعه با منزلت حج بیت الله که یکی از ارکان مهم دین مبین اسلام می‌باشد برابری می‌کند بلکه می‌توان گفت که متأسفانه زیارت قبر در نزد آن‌ها افضل‌تر، واجب‌تر و دارای اجر و ثواب فراوانتری از حج بیت الله می‌باشد. زیرا معتقدند که تارک آن از دایره اسلام خارج است.

زیارت قبر جزو علامات بارز و شعار مذهب شیعه است چنانکه اگر زمانی قبرها و زیارت گاهای مشهور آن‌ها محو و نابود شود، دیگر طایفه ای به نام شیعه وجود نخواهد داشت، زیرا ارتباط و علاقه شیعه به قبر مانند ارتباط و علاقه ماهی با آب می‌باشد. (زیرا عدم وجود قبر یعنی عدم وجود نوحه خوانی و زیارت و وجوهات و خلاصه بسته شدن همه درهای عوام فربیی و دروغ).

پس قبر و زیارت یکی از ضروریات اساسی مذهب شیعه می‌باشد که نمی‌توانند از آن بی‌نیاز باشند، به طور مثال می‌توانید تصور کنید که یک شیعه امامی نماز نمی‌خواند و یا به مسجد حاضر نمی‌شود و یا یکی از فرایض را ترک می‌کند، اما هرگز نمی‌توانیم تصور کنیم که شیعه ای از قبر و زیارت بدور باشد (مگر کسانی که الله عزوجل به آن‌ها نعمت عقل و بصیرت عطاء نموده است).

شاید دیده باشید که چگونه به قبر و زیارت دلبستگی شدید دارند و شیفته آنند!! در حالیکه به نماز آنقدر دلبستگی ندارند بلکه بیشتر آن‌ها اصلاً نماز نمی‌خوانند.

مقام و منزلت کربلاء و نجف و قبور ائمه

آنچه در این جا بیان می‌شود مختصری از مقام و منزلت کربلا و نجف و قبور ائمه است که برگرفته شده از منابع معتمد و غیر قابل انکار آن‌ها می‌باشد.

کلینی (به دروغ) از ابو عبدالله «جعفر صادق علیه السلام» روایت می‌کند که فرموده است:

«هرگاه مؤمنی در نهر فرات غسل نموده و در روز عرفات به قبر حسین بیاید، به هرگامی که بردارد ثواب یک حج و مناسک آن را دریافت می‌کند»!!
[فروع کافی ۴/۵۸۰]

کربلا و نجف در نزد شیعه افضلتر از کعبه معظمه می‌باشند، آن‌ها نجف را نجف اشرف می‌نامند یعنی با منزلت‌ترین و شریف‌ترین مکان در روی زمین، یعنی اشرف‌تر و افضل‌تر از کعبه معظمه و مسجد نبوی صلی الله علیه و آله و بیت المقدس! و معتقدند که نماز در نجف افضل‌تر از نماز در کعبه معظمه می‌باشد!!

در کتاب منهاج الصالحین آیت الله خوئی که یکی از مراجع تقلید بزرگ شیعه در این عصر بود، آمده است:

«مسأله ۵۶۲: نماز خواندن در زیارتگاه‌های ائمه علیهم السلام مستحب است. بلکه گفته‌اند که افضلتر از نماز خواندن در مساجد می‌باشد. و روایت شده است که نماز در کنار قبر علی علیه السلام برابر با دوصد هزار (دویست هزار) (۲۰۰۰۰۰) نماز می‌باشد».

خوئی در مسأله ۵۶۱ - همین کتابش در باره نماز در مسجد رسول صلی الله علیه و آله

می‌گوید: «نماز در مسجد نبی ﷺ معادل ده هزار نماز می‌باشد»!!! یعنی نماز در مسجد بهترین عالم، سردار اولاد آدم محمد مصطفی ﷺ صدونود هزار (۱۹۰۰۰۰) درجه پائینتر از نماز در کنار قبر علی ﷺ است!!!.

و محمد صادق صدر یکی دیگر از علمای شیعه در عراق به صراحت می‌گوید: روایات متعددی در باره فضیلت کربلا بر بیت الله الحرام آمده است. پس به این نتیجه می‌رسیم که قبر (علی) نیز افضلتر از مکه می‌باشد.^۱

و این شعر مشهور در کتاب التربة الحسينية صفحه ۵۶ از محمد حسین کاشف الغطاء آمده است که:

وفى حديث كربلاء والكعبة لكربلاء بان علو الرتبة
«هنگام سخن گفتن کربلاء و کعبه آشکار می‌شود که کربلاء قطعاً
درجه بلندی دارد.»

و آیت الله میرزا حسن حائری بدون هیچ تردیدی اظهار می‌کند:
«کربلاء مزار مسلمین و کعبه موحدین می‌باشد»^۲.

(آیت الله سید صادق شیرازی بتاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۶ هـ ش در بخشی از بیانانش که در پایگاه اطلاع رسانی مؤسسه رسول اعظم در ایران نشر شد به جایگاه والای زمین کربلاء اشاره نموده، تأکید کرد: «جماعتی از أعظم علما و فقهای ما نظیر شیخ انصاری، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد کاظم یزدی، میرزا محمد تقی شیرازی و میرزای نائینی - به پیروی از روایات گهربار اهل بیت ﷺ - در رساله‌های عملیه خود فرموده‌اند: نماز خواندن در شهر کربلاء - و نه فقط حرم مطهر سیدالشهدا یا قمر بنی هاشم ﷺ - از

^۱ - مسألة ۹ ص ۵ من كراسة المسائل الدينية وأجوبتها.

^۲ - أحكام الشريعة (۳۲/۱).

نمازگزاردن در مسجدالحرام فضیلت بیشتری دارد.»).

در جواب این مزخرفات این حدیث شریف را که ابن عباس رضی الله عنهما از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت نموده نقل می‌کنیم که در روز فتح مکه فرمودند: «اللهم صلِّ علیَّ» در روز خلق آسمان‌ها و زمین این شهر را کرامت و حرمت بخشیده است و تا روز قیامت به حرمتِ الله صلی الله علیه و آله و سلم حرام شده است.» [صحیح مسلم (۹۸۶/۲)]
و نیز ابن عباس رضی الله عنهما روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به مکه مکرمه فرموده‌اند: «ما أطيبك من بلد، وأحبك إليّ، ولولا أنّ قومك أخرجوني ما سكنت غيرك». [الترمذی (۳۹۲۶)]

«پاک‌تر و دوست‌داشتنی‌تر از تو نزد من شهری نیست، و اگر اهل تو (ای مکه) مرا بیرون نمی‌کردند جز تو در جایی سکونت نمی‌کردم.».

از عبدالله بن عدی بن حمراء نقل شده است که: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم بر (حَزْوَرَه) تپه‌ای کوچک ایستاده بودند و خطاب به مکه مکرمه می‌فرمودند: «إِنَّكَ لَحَيْرٌ أَرْضُ اللَّهِ، وَأَحَبُّ أَرْضِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ، وَلَوْلَا أَنِّي أُخْرِجْتُ مِنْكَ مَا خَرَجْتُ!»^۱.

«تو بهترین سرزمین الله و محبوب‌ترین سرزمین الله نزد الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشی، و اگر مرا از تو بیرون نمی‌کردند بیرون نمی‌رفتم.».

۱- أخرجه الترمذی وصححه رقم (۳۹۲۵)، والنسائی فی الكبرى رقم (۴۲۳۸، ۴۲۳۹)، وابن ماجه رقم (۳۱۰۸)، والحاكم وصححه (۷۸۳، ۴۳۱).

ادعای بزرگ ولیکن بدون دلیل!

بدون شک عملی به این بزرگی و منزلت و عبادتی به این ویژگی و شرافت که طبق روایات شیعه بر دیگر عبادت‌ها دارد، لابد در شریعت اسلامی ذکری از آن آمده است و یا به آن ترغیب شده و یا از ترک آن نهی شده باشد و یا آیاتی صریح در قرآن کریم در این باره آمده باشد. و نسبت به فضل مساجد و حج و زیارت بیت الله الحرام بیشتر به آن تأکید شده باشد. و گرنه تناقض و عدم انسجام در روش و منهج کتاب الله سبحانه و تعالی به وجود می‌آید که در باره آن فرموده است:

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا﴾ [الزمر: ۲۳].

«الله بهترین سخن را نازل کرده است. کتابی همگون [و] مشتمل مکررات.»
اما وقتی به کتاب پاک الله ﷻ (قرآن کریم) رجوع نمائید نامی از نجف و کربلاء و قم و مشهد و (سخی) و یا زیارت فلان قبر و فلان امام و یا فلان منطقه وجود ندارد چنانکه شیعه امروز ادعا می‌کنند!! بلکه حتی ذکری از رفتن به زیارتگاه‌ها و آداب و احکام و شروط آن بیان نشده است. و این بدون شک بطلان این عقائد و روایاتی را که در فضایل زیارتگاه‌ها و قبور ائمه بیان شده است را ثابت می‌نماید، همچنان روشن می‌گردد که این، خیالات و خزعبلات چیزی جز اوهام و گمان‌های باطل نمی‌باشد.

و هنگامی که اینگونه تصورات و خرافات را با بیان زیبا و دلنشین قرآن کریم که در آن فضل زیارت کعبه مشرفه و حج بیت الله الحرام که پاکترین و معظمترین و مقدس‌ترین مکان در روی زمین می‌باشد مقایسه نماییم، زشتی و بطلان عقاید خرافی شیعه بیشتر آشکار می‌گردد.

حج و مکه مکرمه و مساجد در قرآن کریم

در جاهای متعددی از قرآن کریم ذکر حج بیت الله و فضائل بی شمار آن آمده است، همچنان حکم و جوب آن همراه با بیان مناسک و اعمال و شعائر آن با تفصیل در قرآن کریم ذکر شده و حتی فضیلت مکه مکرمه و کعبه معظمه و کسانی که به قصد آن حرکت نمایند و کسانی که شب و روز معتکف آن اند نیز بیان شده است. که دهها آیت مبارک قرآن کریم به آن اشاره نموده است که بطور مختصر به بعضی از آنها اشاره می‌نمائیم و هرگاه همه قرآن کریم را تلاوت نمائید آیتی و حتی کلمه ای از زیارتگاه و فضیلت قبر و امام و امام زاده و ذکری از نجف، قم و کربلا و مزار شریف و مشهد و غیره نشده است.

حج در قرآن کریم:

یکی از سوره‌های مبارک قرآن کریم «سوره حج» نامیده شده که متضمن آیات فراوانی در بیان احکام حج و مناسک آن می‌باشد، به این آیات مبارک توجه نمائید:

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿٢٦﴾﴾ [الحج: ٢٦].

«و چنین بود که جایگاه خانه [کعبه] را برای ابراهیم [با این دعوت] معین ساختیم که: چیزی را با من شریک میاور و خانه‌ام را برای طواف کنندگان و [به عبادت] ایستادگان و رکوع [و] سجود کنندگان پاکیزه دار.»

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَّ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾﴾ [الحج: ٢٧].

«و در [میان] مردم به حج اعلام کن تا پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری راه‌های فراخ و دور را طی کنند و به سوی تو آیند».

﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ﴿٢٨﴾﴾ [الحج: ٢٨].

«تا منافع خود را با چشم خویش ببینند و نام الله را در روزهای معلوم بر چهارپایان حلال گوشتی که (برای قربانی) به آنان روزی داده است، یاد کنند. پس از آن بخورید و به درمانده بینوا نیز بخورانید».

﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾﴾ [الحج: ٢٩].

«آن گاه باید که آلودگی [بدن] شان را بزایند و به نذرهایشان وفا کنند و این بیت العتیق را طواف نمایند».

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْمَ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۖ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ۖ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿٣٠﴾﴾ [الحج: ٣٠].

«[حکم] این است. و هرکس که شعائر الله (اوامر و نواهی او تعالی) را بزرگ شمارد، [بداند که] آن [بزرگداشت] برایش به نزد پروردگارش بهتر است و چهارپایان (بز و گوسفند و شتر و...) برایتان حلال شمرده شده‌اند مگر آنچه بر شما بیان می‌شود. (که مردارند) پس از پلیدی بتان دوری کنید و از سخن (شهادت) دروغ و افتراء بپرهیزید».

﴿حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ ۚ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ ۗ أَوْ تَهْوَىٰ بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ﴿٣١﴾﴾ [الحج: ٣١].

«حقگرا و مخلص الله باشید و هیچگونه شرکی برای الله قرار ندهید. و هرکس که به الله شرک آورد، گویی که از آسمان فرو افتاده، آن گاه مرغان [مرده خوار] او را ربوده‌اند یا باد او را به جایی دور افکنده است».

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعْبِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ [الحج: ۳۲].

«[حکم] این است. و هرکس شعایر الله (اوامر و نواهی و فرایض) را بزرگ شمارد، آن [بزرگداشت ناشی] از تقوای دل هاست».

﴿لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلَّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ [الحج: ۳۳].

«در آن [حیوانات قربانی] برایتان تا زمان معین فایده‌هایی هست. آن گاه [قربان] گاهش به بیت العتیق است».

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لَّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ فَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ﴾ [الحج: ۳۴].

«و برای هر امتی روش قربانی کردنی مقرر داشته‌ایم تا نام الله را بر آنچه از چهارپایان حلال گوشت که روزی‌شان کرده است، یاد کنند. معبودتان، معبود یگانه است، برای او تسلیم شوید. و به فروتنان مخلص نوید ده».

﴿الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ [الحج: ۳۵].

«کسانی که چون الله یاد شود، دل‌هایشان ترسان گردد و [نیز] به بردبارانی که بر آنچه به آنان برسد شکیبایی پیش می‌گیرند و به نمازگزاران و [کسانی که] از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند».

﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعْبِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَإِذَا ذُكِرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٌ فَإِذَا وَجِبَتْ جُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [الحج: ۳۶].

«و [قربانی کردن] شتران [درشت اندام] (و دیگر چهارپایان) را برایتان از جمله مراسم و مناسک الهی گردانیده‌ایم، در آن برایتان خیر است. پس نام الله را بر [ذبح] آن [شتران] در حالی یاد کنید که بر پا ایستاده‌اند، آن گاه چون پهلوی آن [شتران] به زمین رسد، از گوشت آن بخورید و به بینوای غیر سائل و فقیر سائل بخورانید. بدینسان آن را برایتان رام گردانیده‌ایم، باشد که سپاس گذارید».

﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَآؤَهَا وَلَكِنَّ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْكُمْ ۗ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٧﴾﴾
[الحج: ۳۷].

«[هرگز] گوشت‌های آن [قربانی‌ها] و نیز خون‌هایش به الله نمی‌رسد بلکه پرهیزگاریتان به او می‌رسد. بدینسان آن [قربانی‌ها] را برایتان تسخیر کرد تا الله را به شکرانه آنکه شما را هدایت کرده است به بزرگی یاد کنید و به نیکوکاران نوید ده».

همچنان در سوره‌های دیگر قرآن کریم غیر از سوره حج نیز ذکر حج و بیان احکام آن آمده است که به طور نمونه به این آیات مبارک سوره بقره اشاره می‌نمائیم:

﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ ۗ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ ۜ أَدَىٰ مِنْ رَأْسِهِ ۖ فَفَدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ ۗ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ۗ ذَٰلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٦٦﴾﴾
[البقرة: ۱۹۶].

«و حج و عمره را برای الله به اتمام رسانید، آن گاه اگر باز داشته شوید (بنا بر

عذری)، آنچه از قربانی [کردن] میسر باشد [باید انجام پذیرد] و سرهایتان را متراشید تا آنکه قربانی به قربانگاهش برسد. پس هر آن کس از شما که بیمار و یا او را در سر ناراحتی باشد، [باید] کفاره‌ای [که عبارت است] از روزه یا صدقه یا قربانی [بدهد]. و چون ایمن شدید، هرکس که به [سبب] ادای عمره تا [زمان] حج بهره بگیرد (منظور حج تمتع است) [باید که] از قربانی آنچه میسر باشد [قربانی کند]، و هرکس که قربانی نیافت، [باید] در [وقت] حج سه روز و چون [از سفر] باز گشت، هفت روز، روزه بگیرد. این ده [روز] کامل است، این [حکم] [حج تمتع] برای کسی است که خانواده‌اش از ساکنان مسجد الحرام (شهر مکه) نباشد. و از الله بترسید و بدانید که الله دارای کیفر سختی است». و در سوره بقره می‌فرماید:

﴿الْحُجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحُجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحُجِّ وَمَا تَعَلَّوْا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«[موسم] حج ماه‌هایی معلوم [و مشخص] اند، پس هر آن کس که در [این] ماه‌ها حج بر او واجب شد (احرام بست)، [بداند که] در حج آمیزش جنسی و بدکاری و مناقشه کردن [روا] نیست، و از [کار] نیک هر آنچه را که انجام می‌دهید، الله آن را می‌داند، و توشه بگیرید (برای سفر حج)، و در حقیقت بهترین توشه تقوا (وپرهیزگاری) است. و ای خردمندان، از من بترسید».

﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ﴾ [البقرة: ۱۹۸].

«بر شما در آنکه [به موسم حج] از پروردگارتان روزی بخواهید گناهی نیست، پس چون از عرفات باز گردید در نزد مشعر الحرام، الله را یاد کنید و به شکرانه آنکه شما را هدایت کرد، یادش کنید. و به راستی پیش از آن از گمراهان بودید».

﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾
 [البقرة: ۱۹۹].

«آن گاه از آنجا که مردم باز می‌گردند، باز گردید و از الله آمرزش بخواهید. به راستی الله آمرزندهٔ مهربان است.»

﴿فَإِذَا قُضِيَتْ مِنْكُمْ مَناسِكُكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ﴾
 [البقرة: ۲۰۰].

«پس چون مناسک [حج] خود را به جا آوردید، الله را همچون یاد کردن پدرانتان بلکه به یاد کردی [بهتر و] بیشتر، یاد کنید. از مردمان کسانی هستند که می‌گویند: پروردگارا، به ما در دنیا [از نعمتهای خویش] بده. و او را در آخرت بهره‌ای نیست.»

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾
 [البقرة: ۲۰۱].

«و کسانی از آنان هستند که می‌گویند: پروردگارا، به ما در دنیا نیکی و در آخرت [هم] نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش [جهنم] ایمن بدار.»

﴿أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾
 [البقرة: ۲۰۲].
 «اینان کسانی‌اند که از آنچه به دست آورده‌اند بهره‌ای دارند، و الله زود شمار است.»

﴿وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾
 [البقرة: ۲۰۳].

«الله را در روزهایی معین [و معلوم/ ایام التشریق] یاد کنید، پس کسی که شتاب کند در دو روز [از ایام تشریق اعمال را انجام دهد] گناهی بر او نیست و

کسی که تأخیر کند [و در سه روز انجام دهد] بر او [هم] گناهی نیست. [این حکم] برای کسی است که تقوی ورزد. و از الله بترسید و بدانید که شما نزد او برانگیخته می‌شوید».

مکه مکرمه «بلد الامین» در قرآن کریم:

ذکر مکه مکرمه این شهر مقدس و قبله مؤمنین نیز در بعضی از آیات قرآن کریم آمده است:

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْيُبَيَّتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلْبَةَ ذَٰلِكَ لِيَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٩٧﴾﴾ [المائدة: ٩٧].

«الله کعبه را که «بیت الحرام» است و ماه حرام و قربانی [بی‌نشان] و قربانی نشاندار را مایهٔ قوام [سامان بخشیدن امور] مردم قرار داده است. این [شرح برای آن است] تا بدانید که الله آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است می‌داند و [تا بدانید] که الله به همه چیز داناست».

﴿وَطُورِ سَيْنَىٰ ﴿٢﴾ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْاَمِينِ ﴿٣﴾﴾ [التین: ٢-٣].

«و سوگند به طور سینا و سوگند به این شهر امین (مکه)».

﴿لَا اُقْسِمُ بِهَٰذَا الْبَلَدِ ﴿١﴾ وَاَنْتَ حِلٌّ بِهَٰذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾﴾ [البلد: ١-٢].

«به این شهر (مکه مبارکه) سوگند یاد می‌کنم و تو به این شهر در خواهی آمد».

﴿اِنَّمَّا اَمْرٌ اَنْ اَعْبَدَ رَبَّ هَٰذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَاَمْرٌ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ﴿٩١﴾﴾ [النمل: ٩١].

«من تنها فرمان یافته‌ام که پروردگار این شهر (مکه) را که آن را حرمت بخشیده است، بندگی می‌کنم - و همه چیز [در تصرف] اوست - و فرمان یافته‌ام که از مسلمانان باشم».

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ
الْأَصْنَامَ ﴿۳۵﴾﴾ [ابراهیم: ۳۵].

«و چون ابراهیم فرمود: پروردگارا، این سرزمین (مکه) را امن [و امان] قرار ده
و مرا و فرزندانم را از آنکه بتان را بندگان کنیم، دور مدار.»

بیت الله و مسجد الحرام در قرآن کریم:

بنابر مقام و منزلت عظیم بیت الله و مسجد الحرام در آیات متعددی از
قرآن کریم ذکر آن‌ها بیان شده است:

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ
وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ
السُّجُودِ ﴿۱۲۵﴾﴾ [البقرة: ۱۲۵].

«و هنگامی که خانه [کعبه] را مرجع مردم و [حرم] امن قرار دادیم. و از
[مقام ابراهیم] نمازگاه برگزینید. و وحی کردیم که خانه‌ام را برای طواف کنندگان
و معتکفان و رکوع کنندگان سجده گزار پاکیزه گردانید.»

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهُدَىٰ
وَلَا الْآلِقَاتِيبَ وَلَا أَمِّينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا
حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۲﴾﴾ [المائدة: ۲].

«ای مؤمنان، حرمت شعائر الله و ماه حرام و قربانی [بی نشان] و قربانی‌های
قلاده‌دار (نشاندار) و آنان را که آهنگ بیت الحرام کرده‌اند که از پروردگارشان
فضل و خشنودی می‌جویند، مشکنید. و چون احرام گشودید، [می‌توانید] شکار
کنید. و دشمنی گروهی [از آن روی] که شما را از مسجد الحرام باز داشتند، بر

آنتان ندارد که از حدّ بگذرید. و بر نیکوکاری و پرهیزگاری با همدیگر همکاری کنید و بر گناه و ستم همکاری نکنید و از الله بترسید، بی گمان الله دارای کیفر سختی است».

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾﴾ [التوبة: ۲۸].

«ای مؤمنان، جز این نیست که مشرکان پلیدند، پس نباید بعد از امسالشان به مسجد الحرام نزدیک شوند و اگر از تنگدستی بیمناکید، الله اگر بخواهد شما را از فضل خویش، بی نیاز می گرداند. بی گمان الله دانای فرزانه است».

﴿وَمَا لَهُمْ ءَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَآؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَٰكِن أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾﴾ [الأنفال: ۳۴].

«و چرا الله آنان را عذاب نکند حال آنکه آنان [مردم را] از مسجد الحرام باز می دارند، در حالی که سرپرست آنجا نیستند، سزاوار سرپرستی آنجا جز پرهیزگاران نیستند. ولی بیشترشان نمی دانند».

﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٣﴾﴾ [القریش: ۳].

«پس باید که پروردگار این خانه (کعبه) را پرستش کنند».

﴿سُبْحٰنَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِن ءَايَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١﴾﴾ [الإسراء: ۱].

«پاک [و منزه] است ذاتی که شبی بنده اش را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی ای که در پیرامونش برکت نهاده ایم، برد تا از نشانه های خود به او بنمایانیم، اوست که شنوای بیناست».

و در آیه دیگری می‌فرماید:

﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿۱۴۴﴾﴾

[البقرة: ۱۴۴].

«ما گردانیدن رویت در آسمان را نیک می‌بینیم، اینک تو را به قبله‌ای بر می‌گردانیم که به آن خشنود شوی. پس رویت را به سوی مسجد الحرام برگردان و [ای مؤمنان شما نیز] هر کجا که بودید روی‌هایتان را به سوی آن برگردانید. و به یقین اهل کتاب می‌دانند که این [تغییر قبله] حق است از جانب پروردگارشان. و الله از آنچه که می‌کنند غافل نیست».

در سوره بقره می‌فرماید:

﴿وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۵۰﴾﴾

[البقرة: ۱۵۰].

«و از هر جا که بیرون آمدی روی خود را به سوی مسجد الحرام بگردان و [شما نیز ای مؤمنان] هر کجا که باشید رو به سوی آن برگردانید تا مردم را بر شما حجتی نباشد غیر از ستمکارانشان. پس از آنان مترسید و از من بترسید تا نعمتم را بر شما تمام کنم و تا که هدایت شوید».

برادران و خواهران مسلمان آنچه گذشت مختصری بود از ذکر مکه مکرمه و کعبه شریفه و مسجد الحرام در قرآن کریم و وجوب حج به سوی آن و همچنان بیان احکام و مناسک مربوط به آن، و شما می‌توانید به قرآن کریمی که در دسترس دارید مراجعه نمائید و من شهادت می‌دهم که ذکر

از نجف و قم و مشهد و کربلاء و مزار شریف در آن یافت نمی‌شود. و نه آیتی در فضیلت زیارت قبری در آن آمده است.

نماز و مسجد در قرآن کریم:

همچنین دربارهٔ مساجد و آداب و احکام آن و فضیلت رفتن به مسجد و نماز خواندن در آن آیات فراوانی در قرآن کریم آمده است:

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْأَعْدُوِّ وَالْأَصَالِ ﴿٣٦﴾ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾﴾ [النور: ۳۶-۳۷].

«در خانه‌هایی که الله اجازه داده است که رفعت یابند و نام او در آنجا یاد شود. او را صبح و شام در آنجا تسبیح می‌گویند مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آنان را از یاد الله و بر پای داشتن نماز و پرداخت زکات باز ندارد. از آن روزی می‌ترسند که دل‌ها و چشم‌ها در آن [روز] نگران شوند».

﴿يَبْنَئِ آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾﴾ [الأعراف: ۳۱].

«ای فرزندان آدم، در هر مسجد زینت خود را بگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید. بی گمان الله اسراف کنندگان را دوست ندارد».

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾﴾ [الجن: ۱۸].

«و آنکه مساجد خاص الله است. پس کسی دیگر را با الله [به نیایش] مخوانید».

﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿٢٩﴾﴾ [الأعراف: ۲۹].

«بگو: پروردگارم به عدل و داد فرمان داده است. و [فرموده است:] به هنگام

هر نماز (از هر مسجدی) روی هایتان را [به سوی خانه کعبه] راست بدارید و او را در حالی که دین [و پرستش خود را] برای او خالص گردانیده‌اید، [به نیایش] بخوانید، چنان که نخستین بار شما را آفرید [باز هم] بر می‌گردید».

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَعَاتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳].

«و نماز بر پای دارید و زکات بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید».

و می‌فرماید:

﴿لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾ [التوبة: ۱۰۸].

«به راستی مسجدی که از روز نخست بر تقوی بنیان نهاده شده است سزاوارتر است که در آن بایستی. در آن مردانی هستند که دوست می‌دارند که پاک شوند و الله پاک شوندگان را دوست می‌دارد».

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَافِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۱۴].

«و چه کسی ستمکارتر از کسی است که [مردم را] از مسجدهای الله [بیم] آنکه نام الله در آن‌ها یاد شود، باز دارد و در ویرانی آن‌ها بکوشد؟ این گروه را نرسد جز این که هراسان به مساجد در آیند. آنان در دنیا خفت [و خواری] و در آخرت عذابی بزرگ [در پیش] دارند».

﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ﴾ [التوبة: ۱۷].

«مشرکان را نرسد که مسجدهای الله را در حالی که به زبان حال به کفر اعتراف می‌کنند، آباد سازند. اینان کارهایشان بر باد رفته است و در آتش [جهنم] آنان جاودانه‌اند».

و درباره ساختن مساجد می فرماید:

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَعَاتَى
الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾﴾
[التوبة: ۱۸].

«فقط کسی مسجدهای الله را آباد می کند که به الله و روز قیامت ایمان آورده
و نماز بر پای داشته و زکات بپردازد و جز از الله نترسیده باشد، پس امید می رود
اینان از راه یافتگان باشند».

﴿وَلَا تُبَدِّشُواوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَلَافُونَ فِي الْمَسْجِدِ﴾ [البقرة: ۱۸۷].

«و در حالی که در مسجدها معتکفید با همسرانتان آمیزش مکنید».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ
اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾﴾ [الجمعة: ۹].

«ای مؤمنان چون در روز جمعه برای نماز ندا داده شد، به [عبادت و] یاد الله
بشتابید و خرید و فروش را رها کنید. اگر بدانید، این برایتان بهتر است».

و الله جل جلاله شاهد است که در قرآن کریم ذکری از فضیلت نماز در کربلا و
نجف و قبر علی علیه السلام و قبور ائمه علیهم السلام و لو در یک آیت هم نیامده است.

نه قبری و نه زیارتگاهی در قرآن!

چنانکه ملاحظه نمودید در قرآن کریم ذکری از قبور و زیارتگاهها و بارگاهها و کربلا و نجف و مشهد و قم و مزار شریف و شاه دوشمشیره و تمیم انصار در کابل و غیره... نیامده است و همچنین اشاره‌ای به ساختن بارگاه و گنبد و زیارت و سفر به زیارتگاهها و مقابر نشده است، پس هرگاه با قلب سالم و عقل و بینش صحیح به فضایل مکه معظمه و کعبه مشرفه و مساجد در قرآن کریم، و از جانب دیگر آن همه روایات جعلی و ساختگی شیعه را در فضایل مقابر ائمه و زیارتگاهها و شهرهای کربلا و نجف و قم و غیره که در قرآن کریم ذکری از آنها نیست بنگریم برای هر عاقلی دروغ و جعلی بودن آن روایات ساختگی شیعه و بطلان فتاوای باطل علمای آنها آشکار می‌شود که در فضیلت فلان زیارت و امام و امامزاده ساخته و بافته‌اند. و اگر اینها راست می‌گویند پس العیاذ بالله پروردگار عز و جل فراموش نموده که آن را در کتاب کریم خود ذکر نماید؟!!

﴿وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ
وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾﴾ [الشوری: ۲۶].

«آیا آنان شریکانی (غیر از الله) دارند که برای ایشان دینی را پدید آورده‌اند که الله به آن اجازه نداده است، و اگر وعده فیصله بخش [مهلت] نمی‌بود. بین آنان داوری می‌شد و بی‌گمان ستمکاران عذابی دردناک [در پیش] دارند».

پیروی از متشابه

و اگر با یکی از علمای شیعه و کسانی که شیفتهٔ قبر و زیارت‌اند، در مورد این زیارتگاه‌ها و بناهای مجلل که بر روی قبرها ساخته‌اند و مظاهر شرک و بت پرستی که در کنار آن‌ها انجام می‌گیرد به بحث بنشینید و از آن‌ها دلیل و برهان از قرآن طلب نمائید غیر از این آیه دلیل دیگری ندارند:

﴿قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا﴾ [الکھف: ۲۱].

«و گفتند کسانی که بر کارشان غلبه یافتند: بر آن‌ها سجده گاهی می‌سازیم.»
(و غیر از این دلیل متشابه که به سبب کژی و مرضی که در قلب‌هایشان دارند و به اطاعت از هوی و هوس از آن پیروی نموده‌اند دلیل و حجت دیگری ندارند درحالیکه برای اثبات این مدعای خود باید دلیل صریح از قرآن و سنت داشته باشند که الحمدلله ندارند.

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾ [آل عمران: ۷].

«پس اما آنان که در دل کژی دارند برای فتنه جویی و طلب تأویلش از آنچه از آن که متشابه است، پیروی می‌کنند.»

بررسی دلایل آن‌ها از آیهٔ ۲۱ سورهٔ کهف

این آیت را علمای شیعه به عنوان بزرگترین دلیل در اثبات جواز زیارت قبرها و ساختن گنبد و بارگاه مطرح می‌نمایند که ما اکنون به بحث و بررسی این آیت می‌پردازیم.

پس از دقت در معانی این آیهٔ کریمه برای عاقلان هویدا می‌گردد که حتی ظاهر آیت ۲۱ سورهٔ کهف نیز دلالت به غیر آنچه شیعه استدلال

می‌کنند دارد، توجه فرمائید:

﴿وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا ﴿۲۱﴾﴾ [الكهف: ۲۱].

«و بدینسان [مردم را] به [حال] آنان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده الله حق است و آنکه هیچ شکی در قیامت نیست. هنگامی که [مردم درباره] کارشان منازعه می‌کردند. و گفتند: بر [غار] آنان بنایی بسازید. پروردگارشان به [حال] آنان داناتر است و گفتند کسانی که بر کارشان غلبه یافتند: بر [غار] آن‌ها سجده گاهی می‌سازیم.»

اولاً قضیه ساختن مسجد بر قبر آن‌ها نظر کسانی بود که ﴿غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ﴾ «کسانی که بر کارشان غلبه یافتند» یعنی بر قوم و امراء خود، پس آن‌ها هرگز نمی‌توانند مصدر حکم و شریعت شوند و عادتاً اینگونه انسان‌ها مستبد و (جاهل) می‌باشند و از لهجه آن‌ها استبداد و طغیان و جهل هویدا است.... آن‌ها گفتند: ﴿لَنَتَّخِذَنَّ﴾ یعنی «می‌سازیم» یا «می‌گیریم» و این امری است به ظاهر مؤکد که باید اجراء شود و به رای دیگران توجه نشده و برای آن‌ها اعتباری قائل نمی‌باشند که اینگونه انسان‌ها نمی‌توانند الگو و نمونه باشد.

(گذشته از این پیامبر اکرم ص و علی ع و دیگر صحابه رضی الله عنهم و تابعین و صالحین امت نیز این آیه را می‌دانستند، ولی چرا چیزی که این‌ها می‌گویند از آیه استنباط نکردند؟ و مطابق میل این‌ها عمل نفرمودند؟ و برای کسی ضریح و بارگاه نساختند و مردم را به ساختن گنبد و مقبره و ضریح امر نفرمودند؟ حتی برخی از بزرگان اسلام را مخفیانه به خاک سپردند تا مبادا قبرشان مزار شود، همچنین از تعمیر و تزئین قبور نهی می‌فرموده‌اند.

ثانیاً در آیه لفظ «مسجد» آمده و نفرموده: «لتتخذن علیهم قبة وضحياً ومزاراً!!» با وجود اینکه ساختن مسجد هم در کنار قبر ناجیز است و لیکن، آیا این همه مقبره و گنبد و بارگاه در ایران و عراق و افغانستان و پاکستان و سایر کشورها که بر قبور ائمه و حتی فرزندان و نوادگان آنان و صالحین و طالحین ساخته شده است و تعدادی از آنها در مکانهای دورافتاده و صعب العبور قرار دارد و مردم برای زیارتشان رنج سفر را به جان می‌خرند، مسجد است یا زیارتگاه؟ یا مسجد چیز دیگری است؟ آیا ضریح و بارگاه امام رضا علیه السلام در مشهد و معصومه در قم و حسین علیه السلام در کربلا و سخی جان در مزارشریف و شاه دوشمشیره و تمیم انصاری در کابل و خواجه عبدالله انصاری در هرات و زیارت امام صاحب و پیر صاحب و بی بی صاحب و غیره.... مسجد است؟^۱

جواب مختصر و مفید برای کسانی که به دنبال حق می‌باشند، این است که دین و احکام امت‌های گذشته هرگز نمی‌تواند برای مسلمانان مصدر حکم و شریعت قرار گیرد، زیرا اسلام ناسخ ادیان ما قبل خود می‌باشد و خیلی از احکامی که برای امت‌های گذشته جزو دین و آیین آنها بود برای مسلمانان ممنوع گردید و یا برای آنها ممنوع بود و برای امت اسلام جایز گردید، وانگهی طوری که گفتیم غیر از این آیت آیه دیگری در قرآن وجود ندارد که علمای شیعه به آن استدلال نمایند، و این کار آنها مانند عمل منحرفانی است که با حقه بازی و فریب مردم دین و مذهب اختراع می‌کنند و بعد از آن به سوی قرآن آمده و به دنبال متشابهات می‌گردند تا به وسیله قرآن باطل خود را به اثبات برسانند درحالیکه ما باید رای و عقل خود را در

۱- از کتاب خرافات و فوور در زیارات قبور تالیف آیت الله العظمی علامه سید ابوالفضل ابن الرضا برقمی قمی با تصرف.

خدمت قرآن قرار دهیم نه اینکه قرآن را در خدمت رای و عقل خود قرار داده و بر اساس هوی و هوس خود آن را تعبیر و تفسیر نمائیم. غافل از اینکه:

﴿وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ ۗ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۴۰].

«و کلمه کافران (شُرک) را فروتر قرار داد و کلمه الهی (توحید) است که برتر است و الله پیروزمند فرزانه است».

احکام زیارت در کجای قرآن است؟

در قرآن کریم امر و نهی دربارهٔ زیارت قبور نیامده است و همچنین در قرآن کریم حتی یک آیت در بارهٔ احکام و روش و فضیلت زیارت قبور نیامده است، و این مخالف روش قرآن کریم می‌باشد که مسأله‌ای به این بزرگی که شیعه برای آن صدها روایت و فضل و حکم تراشیده، و ادعا می‌کنند از جملهٔ بزرگترین عبادات می‌باشد، ذکری از آن به میان نیاید در حالیکه به کوچکترین مسائل شرعی در قرآن کریم توجه صورت گرفته و حتماً بعضی موضوعات متعلق به آن بیان شده که می‌توان به مسائلی از قبیل حیض و نفاس و غسل و خرید و فروش و غیره اشاره کرد. پس چرا زیارت قبور از این قاعده مستثنی شده است؟!!!

چگونه الله ذوالجلال بنابر ادعای شیعه، به زیارت قبور امر نموده! ولی ذکری از احکام آن در قرآن نیامده است؟!!

و سؤال مهم و جالب اینکه برای همهٔ اصول عملی و یا اعتقادی شیعه مانند زیارت، خمس، متعه «صیغه» و امامت، عصمت و معصومیت و بداء و رجعت ذکری در کتاب الله نیامده است و آنچه که علمای آن‌ها به آن استدلال می‌کنند خالی از دو حالت نمی‌باشد یا وهم و گمان و تفسیر باطنی آن‌ها است و یا تلبیس ابلیس علیه اللعنة می‌باشد.

وسيله و بهانهٔ حب اهل بيت علیهم السلام

شیعه حب اهل بیت را بهانه و ذریعه ای برای زیارت قبور آن‌ها و انجام اعمال شرک آمیز قرار داده‌اند و در این شکی نیست که بسیاری از عوام شیعه به سبب حب و عاطفه ای که در دل نسبت به اهل بیت علیهم السلام دارند به زیارت قبور آن‌ها می‌روند و معتقدند که این عمل آن‌ها تعبیری صحیح از حب آن‌ها به اهل بیت علیهم السلام است و این عمل آن‌ها را به الله جل جلاله نزدیک ساخته و سبب حصول خیر و برکت فراوان برای آن‌ها می‌شود و اجر و پاداش عظیم نصیب آن‌ها می‌گردد!!.

در اینجا سؤال مهمی مطرح می‌شود و آن اینکه هدف از محبت اهل بیت چیست؟

آیا می‌خواهید که طرف مقابل نیز شما را دوست بدانند همانطور که شما آن‌ها را دوست می‌دارید؟ و یا فقط هدف شما محبت یکجانبه به اهل بیت علیهم السلام می‌باشد؟

یا هدفی بالاتر از این هم وجود دارد و آن اینکه اهل بیت هم شما را دوست بدانند؟ و چه زیباست که محبت دوطرفه باشد و به سبب این محبت متبادل الله ذوالجلال نیز ما و شما را دوست بدارد.

بدون شک جواب هر مسلمان عاقل و مؤمن این خواهد بود که هدف اصلی ما محبت الله جل جلاله و سپس محبت متبادل با اهل بیت علیهم السلام می‌باشد چنانکه در قرآن کریم فرموده است: ﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ [المائدة: ۵۴]. «آنان را دوست می‌دارد و [آنان نیز] او را دوست می‌دارند».

و محبت ذات اقدس الهی وقتی حاصل می‌شود که دیگران را نیز فقط به

خاطر او تعالی دوست بداریم و ثانیاً محبت ما نسبت به غیر الله مقید به شریعتی باشد که بر رسول الله ﷺ نازل گردیده است و هر محبتی که بر خواسته از عواطف و احساسات و بدون در نظر گرفتن رضای باری تعالی باشد بوج و بی معنی بوده و مورد قبول درگاه حق نمی‌گردد.

نخستین نشانه اینگونه محبت های احمقانه و جاهلانه خارج بودن و خارج شدن از قیود شریعت و احکام الهی می‌باشد. و به جرأت می‌توان گفت که اینگونه محبت ها، عاطفی و بدور از حقیقت است و این در حالی است که شخص، کسی را به خاطر حاجتی که در نفس خود احساس می‌کند و به خاطر هوای و هوسش دوست می‌دارد، مانند نصارا (مسیحی ها) که ادعای دوستی سیدنا عیسیٰ ﷺ را می‌کنند ولی در حقیقت آن‌ها نفس خود را می‌پرستند و دوست می‌دارند زیرا از هوی و هوس خود پیروی می‌کنند، مگر همین نصارا (مسیحیان) نبودند که از پیامبر بزرگ الهی عیسیٰ ﷺ که رسول و بنده الله ﷻ می‌باشد، خدای ساختگی درست کردند و گاهی هم به او نسبت پسر خدا را دادند!! ﴿سُبْحٰنَهُۥ وَتَعٰلٰی عَمَّا یَصِفُوْنَ ﴿۳۳﴾﴾ «او تعالی پاک و از آنچه وصف می‌کنند، بسی برتر است».

و در همه این اعمال کفری، آیا از انجیل و عیسیٰ ﷺ پیروی نمودند؟ یا از شیطان و هوای نفس خودشان؟ چنانکه الله ﷻ می‌فرماید:

﴿اَفَرٰیۤتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهُۥ هُوْلَهُۥ وَاَضَلَّهُۥ اللّٰهُ عَلٰی عِلْمٍ وَّخَتَمَ عَلٰی سَمْعِهٖ وَّقَلْبِهٖ وَجَعَلَ عَلٰیۤ بَصَرِهٖ غِشْوَةً فَمَنْ يَّهْدِيهِ مِنْۢ بَعْدِ اللّٰهِ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ

﴿[الجاثية: ۲۳].﴾

«آیا دیده‌ای کسی را که خواسته [های نفسانی] اش را معبود خود گرفت و الله با وجود دانش او را گمراه ساخته و بر گوش و دل او مهر نهاد و بر دیده‌اش پرده قرار داد؟ پس چه کسی پس از الله او را هدایت کند؟ آیا پند نمی‌گیرید؟».

بهمین دلیل کسانی که از هوی و هوس پیروی می‌نمایند مقید به پیروی
 الله ﷻ و رسول الله ﷺ نیستند و از شریعت الهی و سنت نبوی
 فرمانبرداری نمی‌کنند و خود را مقید به قوانین شریعت نمی‌دانند ولو که در
 آن رضایت باری تعالی باشد. و این نکته همان سر عدم قبولی اینگونه محبت
 ها می‌باشد. زیرا الله ﷻ بیان می‌دارد که آن‌ها در ادعای خود دروغ گفته‌اند
 و اگر در آنچه می‌گویند صادق می‌بودند از الله و رسول وی پیروی می‌کردند
 و خود را مقید به شریعت اسلام می‌دانستند، شریعتی که توسط کتاب الله و
 سنت رسول الله ﷺ برای مسلمانان وضع شده است.

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
 وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۳۱﴾﴾ [آل عمران: ۳۱].

«بگو: اگر الله را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا الله شما را دوست
 بدارد و گناهان شما را برایتان بیامرزد و الله آمرزندهٔ مهربان است».

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿۳۲﴾﴾
 [آل عمران: ۳۱].

«بگو: از الله و رسول [او] فرمان برید. و اگر روی گردانند [بدانند که] الله
 کافران را دوست ندارد».

پس سخن کوتاه اینکه هر انسانی که ادعای محبت الله ﷻ و رسول ﷺ
 و اهل بیت و صحابه را نماید و سپس از آن‌ها پیروی نکند در گفتار خود
 دروغگو می‌باشد و تا هنگامی که خود را مطابق دستورات الهی آماده نسازد،
 در حبی که ادعا نموده صادق نیست زیرا شرط این است که: ﴿فَاتَّبِعُونِي
 يُحِبِّكُمْ اللَّهُ﴾ «از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد».

پس در محبت پیروی شرط اساسی و اهم می‌باشد.

نفس پرستی (خود پرستی)

در مبحث قبلی گفتیم که، کسانی که امروز با انجام اعمال خلاف شرع ادعای محبت اهل بیت علیهم السلام می کنند در حقیقت الله جل جلاله و رسولش صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را دوست ندارند بلکه نفس خود را دوست دارند، زیرا آن‌ها برای خود دین و طریقه ای بنا بر هوی و هوس و خواهشات خویش آماده نموده و سپس آن را به اهل بیت علیهم السلام نسبت داده‌اند، مگر الله جل جلاله در باره همین صنف از منتسبین به اسلام و اهل بدعت و کفار نفرموده است که:

﴿وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿١٥﴾﴾ [الزمر: ١٥].

«و چون الله به تنهایی یاد شود، کسانی که به آخرت ایمان ندارند دل‌هایشان می‌گیرد و متنفر می‌شود و چون کسانی جز او یاد شوند، آن گاه است که آنان شاد و خوشحال می‌شوند».

(بطور مثال اگر صد مرتبه به آن‌ها بگویید به خدا قسم و یا والله.. باور نمی‌کنند اما اگر یک مرتبه به علی و یا حسین و یا عباس و یا ابوالفضل و یا فاطمه علیهم السلام و یا سخی جان و یا به پیر و امامشان قسم یاد کنید فوراً می‌پذیرند و باور می‌کنند.)

این انسان‌های بیچاره و بدبخت همانگونه که از محبت ذات اقدس الهی محرومند، از محبت اولیاء الله و اهل بیت علیهم السلام نیز محرومند، و هیچ پیوندی با ایشان ندارند، آیا می‌شود به کسی که از اهل بیت پیروی نکند و مطابعت ایشان را ننماید دوستدار اهل بیت گفت؟ چگونه می‌شود بین این‌ها و اهل بیت علیهم السلام و اولیاء الله پیوند و علاقه ایجاد کرد در حالیکه نافرمانی آن‌ها را

نموده و خلاف دستورات آن‌ها عمل می‌کنند؟

الله ﷻ می‌فرماید:

﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۶۸].

«نزدیکترین مردم به ابراهیم همان کسانی‌اند که از او پیروی کردند و این پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند. و الله کار ساز مؤمنان است.»

(جای بسی تعجب است که در کتب معتبر شیعه ده‌ها روایت از رسول الله ﷺ و ائمه اهل بیت ﷺ وجود دارد که به صراحت مسلمانان را از قبرپرستی و ساختن گنبد و بارگاه و زیارتگاه‌ها منع فرموده‌اند، که ما بعضی از آن‌ها را برای نمونه ذکر می‌نماییم:

در کتاب (من لا یحضره الفقیه) و (وسایل الشیعه) از جعفر صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

«پیامبر صلی الله علیه و آله از اینکه بر قبری نماز بگذارند، یا بر آن بنشینند و یا بر آن بنا و ضریح بسازند، نهی فرموده است و یهود و نصارا را لعنت نموده‌اند که قبور انبیاء را مسجد ساختند.»

و در فروع الکافی ۲۲۸/۳، من لا یحضره الفقیه ۸۲۱، وسایل الشیعه ۸۸۷/۲. از سماعة ابن مهران روایت است که گفت: درباره زیارت قبور و ساختن مسجد بر آن از جعفر صادق علیه السلام پرسیدم ایشان فرمود: زیارت قبور اشکالی ندارد، اما در کنار قبر مسجد ساخته نشود.

و همچنین در (من لا یحضره الفقیه) از جعفر صادق علیه السلام: روایت است که می‌فرماید:

«هر چیزی که غیر از خاک خود قبر بر روی قبر گذاشته و یا ریخته شود بر مرده سنگینی می‌کند.»

و در (فروع الکافی ۲/۲۰۲، وسائل الشیعة ۲/۸۶۴) از جعفر صادق علیه السلام:
 روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:
 «جز خاکی که از خود قبر بیرون آورده شده خاک دیگری بر آن ریخته
 نشود».

در (من لا یحضره الفقیه ۱/۱۳۵، وسائل الشیعة ۲/۸۶۸) از امیرالمؤمنین
 علی علیه السلام روایت است که فرموده‌اند: «کسی که قبری را باز سازی کند یا
 تمثالی بسازد یقیناً و بدون شک از اسلام خارج شده است».

و در (وسائل الشیعة ۲/۸۶۹، ۳/۶۲) از جعفر صادق علیه السلام روایت است که
 امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «رسول الله صلی الله علیه و آله مرا به مدینه فرستاد و فرمود:
 هر عکسی را دیدی نابود کن، و هر قبری را دیدی هموارش کن».

و در (الاستبصار ۱/۲۱۷، وسائل الشیعة ۲/۸۶۹) از علی بن جعفر علیه السلام
 روایت است که از موسی کاظم علیه السلام پرسیدم: آیا ساختن قبر و نشستن بر آن
 جایز است؟ فرمود:

«ساختن قبر و نشستن بر آن و گچ کردن و گل کردن آن جایز نیست».
 اما کسانی که ادعای محبت اهل بیت علیهم السلام را دارند در قدم اول با کسانی
 مخالفت می‌کنند که آن‌ها را امامان خود و ائمه اهل بیت می‌دانند^۱.

مسلمانان باید بدانند که محبت بدون اطاعت و پیروی هرگز راه نجات
 نیست زیرا مشرکین زمان رسول الله صلی الله علیه و آله نیز ادعای محبت ابراهیم علیه السلام را
 می‌کردند و همچنان نصارا ادعای محبت عیسی علیه السلام را داشتند و یهود نیز
 خود را محبین موسی و هارون علیهما السلام می‌دانستند اما وقتی که
 لحظه امتحان فرا رسید همه، بجز اندکی ناکام شدند و دروغشان آشکار شد

^۱ - زیارت از دیدگاه ائمه نوشته: دکتر عبدالهادی حسینی.

زیرا در آنچه ادعا می‌کردند صادق نبودند. پس دانستیم که محبت ما مهم نیست بلکه مهم آنست که به سبب محبت صادقانه ما الله عز وجله ما را دوست بدارد و الله عز وجله کسی را دوست نمی‌دارد مگر آنکه ملتزم به شریعت الهی و پایبند به قوانین ربانی باشد.

بدعتی جدید

زیارت قبر به شکلی که امروزه در میان بعضی از مسلمانان و در نزد شیعیان رواج دارد کلاً خارج از شریعت محمد مصطفی ﷺ می باشد عمل آنها، پائین ترین آن بدعت و بالاترین آن شرک اکبر می باشد و آن ها بین این دو معصیت سرگردانند، بین بدعت در دین و شرک به رب العالمین. این سخن اشاره ایست کوتاه، تا بر عاقلان آشکار گردد که چگونه زیارتی که امروزه بر قبور ائمه توسط شیعه انجام می گیرد خارج از شریعت محمد مصطفی ﷺ می باشد.

نخست باید گفت که دین الله در زمانی که رسول الله ﷺ زنده بودند کامل شده است و هر مسلمان واقعی یقین کامل دارد که همه شعایر دینی در زمان زندگی رسول الله ﷺ به پایه کمال رسیده و چیزی از امور دین باقی نمانده مگر اینکه ایشان ﷺ آن را به امت رساندند و الله جل و علا نیز بر این اكمال مهر تأکید نهاد که:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: 3].

«امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمت خویش را بر شما تمام نمودم و اسلام را [به عنوان] دین برای شما پسندیدم».

پس هر عبادتی که بعد از وفات رسول الله ﷺ به وجود آید بدعت و باطل می باشد و چنانکه ذکر شد و همه می دانند این همه مراقد و زیارتگاهها و آداب زیارتی که امروز معمول است، در زمان رسول ﷺ و حتی در زمان ائمه اهل بیت نبوت بوده است بلکه صدها سال بعد از ایشان به وجود آمده

است.

و زیارت زیارتگاه‌ها و ساختن قبر و بارگاه برای هیچ یک از اهل بیت و صحابه علیهم‌السلام و تابعین ثابت نیست و آنچه در این مورد ساخته و بافته شده و به آن‌ها نسبت داده شده بجز افتراء و دروغ چیزی نمی‌باشد. زیرا چگونه می‌توان باور کرد که اولاد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت مکرم ایشان که دعوتگران حق بودند، به راه غیر الله جل‌جلاله بروند و نافرمانی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بکنند؟

حقیقت آنست که نخستین کسانی که تعظیم قبور و ساختن بارگاه‌ها را رواج دادند آل بویه (از فارس «ایران») بودند که بعد از اشغال بغداد در قرن ۴ هجری این بدعت را پایه گذاری نمودند و بعد از آن‌ها نیز فاطمی‌ها و بالآخره صفوی‌ها به نقش قدم آن‌ها رفته و طقوس و راه و روش و فرهنگ مجوسیت را با کفریات تحریف شده مسحیت که از شرق اروپا وارد کرده بودند رنگ و بوی اسلامی داده و به نام محبت اهل بیت در دل مردم عوام جا دادند.^۱

وجالب است بدانید که هر آنچه از بدعت و کفر و شرک در ادیان قبل از اسلام وجود دارد بعد از وفات پیامبرانشان روی داده است. بطور مثال اگر عیسی علیه‌السلام امروز به میان نصارا برگردد و این همه کفر و شرک را در کلیساهای نصارا (مسیحی‌ها) ببیند، آیا باور می‌کند که این‌ها همان پیروان انجیل‌اند که بر او نازل شده بود؟! آیا عیسی علیه‌السلام پرستش صلیب را دیده بود؟ آیا طوری که مسیحیان ادعا می‌کنند به صلیب کشیده شده بود؟ هرگز!

همچنین آیا حسین علیه‌السلام این همه زیارت و مرقد و بارگاه را دیده بود؟ آیا به

^۱ - دکتر شریعتی در کتاب تشیع علوی و تشیع صفوی مفصلاً در این باره نوشته است.

زیارت و طواف قبری رفته بود؟ آیا در مناسبت های مختلف مانند عاشورا و صفر و شعبان و رجب و ربیع الأول به سر و صورت خود زده بود؟ آیا به خاطر شهادت پدرش علی علیه السلام و وفات جدش رسول الله صلی الله علیه و آله عزاداری و سینه زنی و زنجیرزنی کرده بود؟ آیا بر سر قبر پدر و جد و مادرش گنبدی و زیارتی ساخته بود؟ آیا یاران خود را به زیارت آن ها دعوت نموده بود؟ آیا پیامبر صلی الله علیه و آله بر سر قبر پدر و مادر و یا کاکایشان (عمویشان) سید الشهداء حمزه علیه السلام و یا دیگر اصحابشان علیهم السلام گنبد و قبه و زیارتی ساختند؟ آیا به طواف آن ها رفتند؟ آیا بر سر قبر همسر مهربانشان خدیجه رضی الله عنها گنبد و بارگاهی ساخته و به زیارت آن رفتند؟ آیا قبر فرزندان شان قاسم و عبدالله و ابراهیم و رقیه و زینب و ام کلثوم علیهم السلام را زیارتگاه و محل نذر و نیاز ساختند؟

هرگز! و هرگز! رسول الله صلی الله علیه و آله این اعمال را انجام نداده اند.

آیا علی و حسن و حسین و زین العابدین و محمد باقر و جعفر صادق و موسی کاظم و دیگران علیهم السلام این اعمال را انجام داده بودند؟

پس این همه قبر و زیارت چرا بعد از ایشان ساخته شد؟

شاید کسی بگوید این امری است مستحب و ما اهل بیت را دوست داریم و این اعمال ما به سبب محبت به آن ها است!! به آن ها می گوییم که آیا نصاری (مسیحیان) بجز محبت عیسی صلی الله علیه و آله با چیز دیگری تباه شدند؟ محبتی که با آن عیسی صلی الله علیه و آله را از مقام بندگی به مقام خدائی کشاندند و از قیود عقل و شرع خارج شده به دام کفر و شرک گرفتار گشتند. اینگونه اعمال محبت نه بلکه جهالت و حماقت است.

(امام شافعی رحمته الله شعر جالبی دارد که می فرماید:

تعصي - الإلهَ وأنتَ تَظْهَرُ حُجَبَهُ هذا محالٌ في القياسِ بديعُ

لو كان حبُّكَ صادقاً لأطعتهُ إنَّ المحبَّ لمن يُحبُّ مطيعٌ

نافرمانی الله را می‌کنی و تظاهر به محبتش داری
 این کار در قیاس انسان دانا قطعاً محال است
 اگر محبت تو راست می‌بود حتماً از او اطاعت می‌کردی
 زیرا که مُحِبِّ از کسی که با او مُحَبِّت دارد فرمانبرداری می‌کند)

زیارت شرعی و زیارت غیر شرعی

در شروع این رساله گفتیم که زیارت قبور در شروع اسلام ممنوع و سپس رسول الله ﷺ به آن اجازه دادند، هنگامی که فرمودند:

«نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا». [صحيح مسلم ۲۳۰۵]

«شما را از زیارت قبرها منع کرده بودم اکنون آن‌ها را زیارت نمائید».

و در روایت دیگری آمده است: که پیامبر ﷺ فرمودند:

(إِنِّي نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا فَإِنَّ فِيهَا عِبْرَةً، وَلَا تَقُولُوا مَا يَسْخَطُ الرَّبَّ)^۱.

«من قبلاً شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم ولی الان می‌گویم: به زیارت قبور بروید چون در آن عبرت است و چیزی نگویید که خشم الله را برانگیزد.»

و سبب این نهی سپس اجازه دادن رسول الله ﷺ این بود که با علم و معرفتی که الله ﷻ نصیبشان کرده بود خواستند که این مرض را بکلی از جامعه نابود کرده و آنرا از قلب اصحاب کرام ﷺ نیز دور کنند.

نخست تعلقی را که نسبت به قبور در دل مردم بود را با نهی کلی دور ساختند و بعد از ریشه کن شدن همه انواع مظاهر شرکی که در جامعه قبل از اسلام وجود داشت و پاک شدن قلوب مسلمین از محبت و تعلق به قبور، دوباره با تقید و پایبندی به آداب و طرق شرعی آن را اجازه دادند و بر دوری از شرک و بدعت و رسومات جاهلی تأکید ورزیدند.

^۱ - صحيح : [الجنائز ۱۷۹]، کم (۱/۳۷۴)، حق (۴/۷۷)، حق (۴/۷۷).

رسول الله ﷺ به زیارت قبرستان می‌رفتند به مرده‌ها سلام می‌کردند و در حق آن‌ها دعا می‌نمودند چنانکه در حدیث شریف آمده است:

«عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كُلَّمَا كَانَ لَيْلَتُهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَخْرُجُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ إِلَى الْبَقِيعِ فَيَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَأَتَاكُمْ مَا تُوَعَدُونَ عَدًّا مُؤَجَّلُونَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَآحِقُونَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ الْبَقِيعِ الْعَرْقَدِ» [صحيح مسلم].

«از ام المؤمنین عایشه صدیقه ﷺ روایت شده که فرموده‌اند: رسول الله ﷺ هرگاه نوبت ایشان می‌بود در آخر شب به قبرستان بقیع می‌رفتند و می‌فرمودند: ای جمع مؤمنان سلام بر شما، آنچه به شما وعده داده شد نزد شما آمد، و تا فردایی مهلت داده شده و ما ان شاء الله به شما ملحق خواهیم شد الهی اهل بقیع غرقد را بیامرز.»

و این همان زیارت شرعی است که از رسول الله ﷺ ثابت شده است. ما به زیارت قبر می‌رویم و به اهل قبرستان سلام می‌دهیم برایشان دعا می‌کنیم ولی از آن‌ها چیزی نمی‌خواهیم و در آنجا به یاد آخرت می‌افتیم. پس در زیارت قبور سه مسأله وجود دارد:

۱- سلام به مرده‌ها.

۲- دعا برای آن‌ها.

۳- به یاد آخرت افتادن.

و هر آنچه غیر از این‌ها انجام گیرد شرک و بدعت و خارج از شریعت محمد ﷺ می‌باشد.

اموری که انجام دادن آن‌ها ممنوع و در شریعت اسلام حرام است مختصراً از قرار ذیل می‌باشد:

۱- سفر به قصد زیارت قبر.

- ۲- اعتقاد به اینکه زیارت قبری از قبر دیگری فرق دارد و برای فلان قبری فضیلت خاصی است.
 - ۳- گنبد و بارگاه ساختن بر قبور.
 - ۴- به دعا خواستن مرده و گریه و زاری نزد آن‌ها.
 - ۵- استغاثه و نذر کردن برای آن‌ها.
 - ۶- طواف به گرد قبر.
 - ۷- نماز خواندن بر قبرها و یا در کنار قبرها.
 - ۸- خواندن زیارتنامه
 - ۹- بستن نخ و یا پارچه ای بر قبر و یا پنجره های زیارت
 - ۱۰- بوسیدن در و دیوار قبر و لمس نمودن آن‌ها و دیگر خزعبلات و خرافاتی که ذکر آن این رساله را طولانی میکند، همه بدعت و شرک اکبر به حساب می‌رود که از شر آن به الله عَلَّامٌ پناه می‌بریم.
- (الله عَلَّامٌ می‌فرماید:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ اتُّتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۴﴾﴾ [الأحقاف: ۴].

«بگو: آیا دقت کرده‌اید درباره چیزی که به جز الله به فریاد می‌خوانید (و عبادت می‌کنید)؟ به من نشان دهید، چه چیزی از زمین را خلق کرده‌اند؟ یا اصلاً در (خلقت و گردش و چرخش) آسمان‌ها مشارکتی داشته‌اند؟ کتابی پیش از این (قرآن) یا یک اثر علمی برای من بیاورید اگر راست می‌گویید!»!

مالک، تنها او تعالی است و تمام چیزهایی که در آسمان‌ها و زمین قرار دارند، ملک اویند و قبر و زیارت نفع و ضرری به کس نمی‌رسانند:

﴿وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ ﴿۱۸۹﴾ [آل عمران:

۱۸۹].

«پادشاهی آسمان‌ها و زمین فقط از الله است و الله بر همه چیز توانا است.»
 او تعالی در رزق و روزی دادن شریکی ندارد، و رازق همه موجودات است:
 ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ
 يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾ ﴿۳﴾ [فاطر: ۳].
 «ای مردم! نعمتی را که الله به شما عطا فرموده، یادآور شوید. آیا جز الله،
 خالق دیگری وجود دارد که شما را از آسمان و زمین روزی برساند؟ جز او الهی وجود
 ندارد. پس با این حال، چگونه منحرف و گمراه می‌شوید؟!»

غیر از او تعالی، رب، ولی و حاکم دیگری وجود ندارد:

﴿قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ اتَّخَذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ
 قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ ﴿۱۴﴾
 [الأنعام: ۱۴].

«بگو! آیا غیر از الله را سرپرست و یاور خود بگیرم، در حالی که او آفریننده
 آسمان‌ها و زمین است و او رزق می‌دهد و رزق داده نمی‌شود بگو به من امر کرده
 شده است که نخستین مسلمان باشم و فرموده شد به من که نباش از جمله
 مشرکین.»

﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ ﴿۷۴﴾ [النحل: ۷۴].

«الله می‌داند و شما نمی‌دانید.»

تنها اوست که می‌میراند و زنده می‌گرداند و قبر و زیارت دخالتی در آن
 ندارند:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ
 شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَُ مِمَّنْ شَيْءٍ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾

﴿۴۰﴾ [الروم: ۴۰].

«الله ذاتی است که شما را آفریده، سپس به شما روزی بخشیده است. بعد شما را می‌میراند و سپس دوباره زنده‌تان می‌گرداند. آیا در میان شرکاء و معبودانتان کسی هست که چیزی از این کارها را انجام دهد؟ الله دورتر و برتر از این است که برایش شریک قائل شوند».

هیچ کس جز الله عزوجل، دعاها و فریادها را نمی‌شنود و اجابت نمی‌کند حتی امام و ولی!:

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ إِنَّهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾ [النمل: ۶۲].

«نه بلکه می‌پرسیم کیست که به فریاد مضطر و درمانده می‌رسد و بلا و گرفتاری را برطرف می‌کند، هر گاه او را به کمک بطلبد، و شما (انسان‌ها) را جانشین در زمین می‌سازد؟ آیا معبود دیگری با الله است؟ واقعاً شما بسیار کم پند می‌گیرید!».

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الْبَطْلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾ [لقمان: ۳۰].

«این بدین خاطر است که فقط الله حق است و هر آنچه که غیر از او می‌خوانند، باطل هستند و تنها الله بلند مرتبه و بزرگوار است».

پناه‌دهنده فقط الله است نه قبر و زیارت:

﴿قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنِّي تُسْحَرُونَ﴾ [المؤمنون: ۸۸-۸۹].

«بگو: چه کسی پادشاهی همه چیز را در دست دارد و او (به‌همه) پناه‌دهد و کسی را (هم نمی‌توان) از (عذاب) او پناه‌داد، اگر فهمیده و آگاهید؟ خواهند گفت: فقط از آن الله است پس چگونه فریب می‌خورید و سحر می‌شوید و دستخوش

افسون شیطان می‌گردید».

اما با وجود این همه دلایل روشن و آشکار از قرآن کریم و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله باز هم عده ای به سوی قبر پرستی و طلب کمک نمودن از مرده ها و زیارتگاه‌ها مشغولند نه دلیل وبرهان را قبول می‌کنند و نه گوش شنوایی برای شنیدن سخن حق دارند

جالب است بدانید که رسول الله صلی الله علیه و آله پیشبینی نموده بودند که عده‌ای از این امت گمراه شده، از شیطان پیروی نموده بت‌ها را خواهند پرستید. چنانکه دیدیم بسیاری از تازه مسلمان‌ها بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله مرتد شدند و به عبادت شیطان روی آوردند. و عبادت شیطان یعنی حرف شنوی از او و روی گردانی از دین الله جل جلاله، چنانکه می‌فرماید:

﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ [یس: ۶۰].

«آیا حکم نفرستاده بودیم بسوی شما ای اولاد آدم که مپرستید شیطان را که وی دشمن آشکار شماست».

پیروی از شیطان و از دستوراتش یعنی، شرک ورزیدن به الله جل جلاله و ترک ایمان و ارتکاب گناه که این‌ها همه جزو عبادت شیطان محسوب می‌شوند. پس به این نتیجه می‌رسیم که زیارت قبور که امروزه بر اساس مذهب شیعه و دیگر فرقه‌ها و افراد گمراه انجام می‌گیرد باطل آشکار و بدعتی گمراه کننده می‌باشد زیرا هیچگونه اصلی در شریعت و حتی در اصول معتقدات مذهب خودشان هم ندارد و همچنین در قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه و آله نیز یافت نمی‌شود.

در پایان دعا می‌کنیم که:

بارالها! امت اسلامی ما را از تمام موانع توحید دور بگردان و اطاعت و

محبت و ایمان کامل به الله ﷻ و پیروی و محبت رسول اکرم ﷺ و اهل بیت و صحابه کرام ﷺ را نصیبمان نما، و دل‌هایمان را از تمام کدورت‌ها و شرک و بدعت‌ها و بغض‌ها و عداوت‌ها و زنگارهایی که چه بسا مانع رسیدن به الله ﷻ گردیده پاک گردان، و امت اسلامی را بوسیله پیروی از قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ امتی قوی و توانا و با عزت بگردان بارها!

﴿رَبَّنَا ءَامَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ ﴿۵۳﴾ [آل عمران: ۵۳].

«پروردگارا ایمان آوردیم به آنچه فرو فرستاده‌ای و از فرستاده (تو) تبعیت ورزیدیم پس ما را با گواهان (بر تبلیغ رسول) بنویس.»

﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ ﴿۱۹۱﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿۱۹۲﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿۱۹۳﴾ رَبَّنَا وَعَآئِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ ﴿۱۹۴﴾ [آل عمران: ۱۹۱-۱۹۴].

«پروردگارا این جهان را به باطل خلق نفرمودی تو منزهی پس ما را از عذاب آتش حفظ فرما. پروردگارا محققا کسی را که داخل آتش کنی خوارش کرده‌ای و برای ستمگران یاورانی نیست. پروردگارا ما شنیدیم که نداکننده‌ای به سوی ایمان ندا می‌کرد که به پروردگارتان ایمان آورید و ما ایمان آوردیم، پروردگارا برای ما گناهان ما را بیامرز و بدی‌های ما را جبران نما و ما را با نیکان بمیران. پروردگارا آنچه به ما وعده دادی بر پیمبرانت ما را عطا فرما و روز قیامت ما را خوار مکن به راستی که تو وعده را تخلف نمی‌کنی.» آمین.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العلمین وصلى الله على سيدنا وحبيينا محمد وعلى
آله وصحبه وسلم.

منابع

قرآن کریم

تفسیر انوار القرآن (استاد عبدالرؤف مخلص)

تفسیر نور (استاد خرم دل)

کتب حدیث اهل سنت

المنهج القرآنی الفاصل بین أصول الحق وأصول الباطل (دکتر طه حامد

الدلیمی)

کتب حدیث شیعه

سایت البرهان www.alburhan.com

خرافات وفور در زیارات قبور

تالیف: آیت الله العظمی علامه سید ابوالفضل ابن الرضا برقعی قمی

زیارت از دیدگاه ائمه

تألیف: دکتر عبدالهادی حسینی